

پشت‌بوم

چرا پیدا، ولنتاین نمی‌شود؟



حسین عبدالهاشم‌پور

● چرا دنیا شب پیدا را جشن نمی‌گیرد؟ باور بفرمایید این پرسش جاه‌طلبانه‌ای نیست؛ وقتی آیین ولنتاین جهانی می‌شود و از چینی و ژاپنی تا آمریکایی و آفریقایی یک افسانه روم باستان را با جلال و جبروت جشن می‌گیرند، چرا آیین پیدا را دنیا شناساند؟ ولنتاین به جهت ستایش عشق و دوست‌داشتن بسیار مغتنم است، اما پیدا مفهوم مبسوط‌تری هم دارد؛ همان مرغ سحری ست که سیاهی شب را به سخره می‌گیرد، گرامی‌دشت امید است؛ ارجاع انسان به اصالت‌های فراموش‌شده با جمع‌بودن، اهمیت خانواده، دورهم‌خواندن، خوردن و شادزیستن است؛ شبی که تکنولوژی هم نمی‌تواند میان بشر فاصله اندازه‌د… با تمام این دلایل، یقین دارم در این دنیا تکرارزده که انسان‌ها ملول روزمرگی‌اند، با ارائه درست و هنرمندانه پیدا می‌توان آن را از جشنی ایرانی به جشنی جهانی بدل کرد. راستش همه ما بخوایم‌نخواهیم دچار جهانی‌شدن هستیم، جهانی‌شدن محتم است و سرنوشت خرده‌فرهنگ‌ها در این واقفسا فراموشی است؛ بنابراین برای ماندن و جاودانه‌ماندن باید مژه خود را به این آتش‌شله‌قلمکار افزود تا ایرانی هم سهمی در این پخت‌ويز ایفا کند؛ آیین‌هایی مانند پیدا، نوروز و… نمونه‌هایی بسیار منحصربه‌فرد از نوآوری‌های ایرانی است که به لطف پیوندشان با زمان‌های شاخص سال، مجال جهانی‌شدن را دارا هستند، فقط باید بر مبنای متدهای روز، آنها را به دنیا عرضه کرد.

گالری کردی

چیزهای ساده‌دردزیرپله



● شرق؛ هنر حاضرآمواده در تاریخ هنر معاصر، جایگاهی ویژه دارد. در این شکل از تولید اثر هنری، هنرمند با کمترین حد دخالت، شی خاصی را انتخاب و در شکلی خاص به نمایش می‌گذارد. این شکل از بیان هنری و مفهومی، بیشتر بر ایده تأکید دارد تا بر اجرا. مجموعه جدید نسترن صفایی که در گالری تازه‌تاسیس «زیرپله» به نمایش گذاشته شده است نیز در همین راستاست. این مجموعه حاضر و آماده با عنوان «یک چیز ساده»، حاصل تزیینی‌های صفایی در توجه به محیط‌های عمومی است. صفایی ۳۰ شی، کوچک را که در سطح معابر عمومی پیدا کرده است، به‌عنوان آثاری در‌خورتوجه و ارزشمند در جعبه‌های جواهر به نمایش گذاشته است. این اشیای ساده می‌توانند داستان‌هایی داشته باشند با همین قابلیت هنرند، به شکلی انضمامی که داستانتک‌هایی چندخطی را با اشیاء اضافه کرده است. ماجراهایی ساده مانند خود اشیا از لحظه کم‌شدن یا رهاشدن‌شان، صفایی چند ماه پیش مجموعه چیدمانی را با عنوان سی در گالری اعتماد به نمایش گذاشته بود. وی در بسیاری از نمایشگاه‌ها و حراج‌های معتبر جهانی به ارائه آثار و ایده‌هایش پرداخته در نمایشگاه معماری ونیز، بازل سوئیس، برلین، پاریس و دوبی، علاقه‌مندان به هنر حاضر و آماده می‌توانند تا چهارم دی به گالری «زیرپله» واقع در خیابان کریمخان، اینترهنر، خیابان کلاتری پلاک ۴۸ مراجعه کنند.

هنر و تجربه
دلتا
یک
دلتا
فصلی از علیرضا امینی
برنامه سینماهای فرهنگ کورس خانه هنرمندان موزه سینما
پر دس سینمای هوزیه (مشهد)
تالار سینمایی سوره (اصهان)
acinema.ir
دلتا
ایکس
کارگردان:
علیرضا امینی

هنر

گفت‌وگو با احترام برومند، گوینده باسابقه تلویزیون

امیدوارم اصغر فرهادی رانا امید نکرده باشم



موضوعاتی پیرامون کودکان. البته در برنامه‌های آقای ضابطیان گاهی حضور داشتم، حتی در برنامه «صدربرگ». ایشان همیشه به من لطف دارند. گاهی متنی را به من می‌دهند که بخوانم. البته جوان‌هایی مثل ایشان و افرادی که در سنین ۴۰ تا ۵۱ سال هستند، همیشه نسبت به حضور من در تلویزیون حس نوستالژیک دارند.

● **الان که صدای شما را می‌شنوم، همچنان جوان، جاندار و دلنشین است و واژگان و حروف را به‌درستی ادا می‌کنید. موردی که مجری‌های ما فاقد آن هستند.**

خب من تهرانی اصیل هستم. چیزی که اغلب هنگام شنیدن رادیو و بیش

فرانک آرتا؛ احترام برومند، مجری محبوب سال‌های کودکی‌مان، بعد از چند سال دوری از فضای سینما با بازی در سه فیلم، دوباره به سینما بازگشت. او که همسر داوود رشیدی و خواهر مرضیه و راضیه برومند است، در دوره‌ای به‌عنوان یکی از بهترین مجری‌های تلویزیون برای کودکان برنامه اجرا می‌کرد. به بهانه بازی در سه فیلم، با این گوینده پیش‌گوست گفت‌وگو کردیم. ضمن اینکه در کارنامه کاری احترام برومند، نوسندگی نمایش‌نامه هم دیده می‌شود.

● **ک زمان طولانی از بازی‌تان در فیلم «دیشب باباتو دیدیم آید» آقای صدرعاملی می‌گذرد و تازه اسمال در سه فیلم حضور پیدا کردید. چرا؟**
آقای وحید موسائیان پیشنهاد خواندن فیلم‌نامه‌شان را به من دادند. وقتی آن را خواندم، به نظرم رسید فیلم‌نامه قشنگی است. البته با توجه به مسائل داخلی خانوادگی‌ام در شک و تردید بودم. اما خانواده‌ام مرا ترغیب کردند در این فیلم بازی کنم. در نهایت من هم قبول کردم. از انتخابم هم پشیمان نیستم. امیدوارم حاصل کارم رضایت‌بخش باشد.

● **نقش راحتی بود؟**

اصلا، نقش راحتی نبود و من هنوز فکر می‌کنم چقدر شهادت به خرج دادم که در این فیلم بازی کردم. البته فیلم هنرپیشگان زیادی دارد. نظیر آقایان رضا کیانیان و افشین هاشمی و خانم‌ها بیتا فرهی و رعنا آزادی‌ور. فیلم زندگی دو خواهر سالخورده به نام قشنگ و فرنگ را به نمایش می‌گذارم و مسائل پیرامون این دو خانم سالخورده را تعریف می‌کنم. من نقش یکی از آن خواهران را بازی می‌کنم و نقش خواهر دیگری را هم خانم منظر لشکری، برخی از لوکیشن‌ها هم در دوبی، تهران و فرانسه بود ولی بازی من فقط در تهران بود.

● **چه مدت در این فیلم بازی داشتید؟**

معمولا فیلم‌برداری هر فیلمی میان ۳۰ روز تا دو ماه طول می‌کشد. من هم می‌توانم بگویم نصف این روزها در لوکیشن فیلم‌برداری حضور داشتم. ● **خانم برومند! آیا تمایل دارید بار دیگر به‌عنوان مجری یا گوینده در تلویزیون برنامه اجرا کنید؟**

اگر برنامه خوبی که هویت داشته باشد و به من پیشنهاد شود، حتما حضور خواهم یافت. منظور این است که در این برنامه بتوانم هویت خودم را داشته باشم و به علایق و سلیقه من نزدیک باشد. نظیر طرح مسائل اجتماعی یا

«فضیلت زخمی»، روایت تازه فرح اصولی

تصاویر مشهور تاریخ هنر روی بوم

شرق: در نمایشگاه «فضیلت زخمی» مجموعه‌آثار فرح اصولی در گالری دستان ۲ روی دیوار می‌روند. این نمایشگاه که جمعه ۴ دی گشایش می‌یابد و تا ۲۸ دی برپاست، شامل ۱۰ تابلو از کارهایی است که اصولی در سه سال گذشته در نیویورک روی بوم برده است. اصولی درباره این تابلوها به «شرق» می‌گوید: «آثار این نمایشگاه ارجاعی به قلم‌گیری دوره صفویه دارند که اشعاری از فروغ فرخزاد و احمد شاملو روی آنها آمده». فرح اصولی، هنرمندی که سال ۱۳۳۲ در زنجان متولد شده، در ۳۰ سال فعالیت هنری خود توانسته ترکیبی از تکنیک، مواد، درون‌مایه و روایتگری را به عنوان سبک شخصی خود به دست آورد. او هنرمندی پیشرو است که قبل



از دیگر هنرمندان منطقه همچون عمران قریشی و شاپا یاسکندر، مایه‌ها و محتوای معاصر را به دنیای مینیاتور وارد کرد.

او در بسیاری از آتارش از جمله مجموعه «حافظ» از اشعار فارسی برای ایجاد زمینه و کانتکس استفاده کرده است. اقبالی که از آثار او در موزه‌ها و گالری‌های مهم دنیا، مثل موزه متروپلیتن و موزه هنربخش لس‌آنجلس دارند، شاید بیش از هر چیز از وجه فرهنگ غنی تصویری و ادبی هم‌زمان، با به‌کارگیری ابزار سنتنی و معاصر در آثار او است، که سبب شده این آثار تبدیل به آثاری جهانی شوند.

به گفته اصولی، اغلب آثار مجموعه «فضیلت زخمی» که در طول بیش از سه سال اجرا شده‌اند، از تصویرهای مشهور تاریخ هنر الهام گرفته‌اند. فرح اصولی با نوشتن اشعار فروغ فرخزاد و احمد شاملو در قاب این‌ آثار و وام‌گرفتن از آثار مهم نقاشان جهان همچون داونچی و کالو، روایت بصری نوینی ارائه کرده است.

اصولی در توضیح این نمایشگاه نوشته است: «شعر در فرهنگ ایران جایگاهی والا دارد و از دوران نوجوانی در زندگی من نقشی حیاتی داشته است. در تمام نقاشی‌های مجموعه «فضیلت زخمی»، بخشی از شعرهای معاصر احمد شاملو یا فروغ فرخزاد دیده می‌شود. ترکیب‌بندی‌ها به تصاویری مشهور از فریدا کالو، فوآنسیسکو گوینا، پینر پنال روبنسی، فرا آنجلیکو،

سکانس آخر سینما- حقیقت

تندیس «هنر و تجربه» برای «فصل هُرس»

سوهانی)، لوح تقدیر و سکه بهار آزادی را به فیلم‌های «آزادی» به کارگردانی رضا فرهنگند و کمیل سهیلی و تهیه‌کنندگی حسین افشار، «شکارچی» به تهیه‌کنندگی و کارگردانی کنایون جهانگیری و «اشک سیاه» به کارگردانی و تهیه‌کنندگی فتح‌الله امیری اهدا کرد. همچنین سازمان حفاظت محیط‌زیست از سازندگان فیلم‌های «برمجه‌ها عاشقی می‌شوند» به کارگردانی دلاور دوستانیان، میثم صفری و تهیه‌کنندگی یوسف صفری بختیاری، «ناخدا سلیمان» به تهیه‌کنندگی و کارگردانی سعادتعلی سعیدپور، «قرنابی» به کارگردانی رضا فرهنگند، کیومرث محمدچناری و تهیه‌کنندگی مهدی مطهر، «جان گرفته در اعماق» ساخته علی عبدی‌پور، «مسیر سبز» به کارگردانی



محسن رمضان‌زاده، «گره‌های ناآرام» به کارگردانی میلاد خالقی منش و تهیه‌کنندگی فرشاد شکیبی، «قلمرو سلطان» به کارگردانی روح‌الله مولوی، «یکی شور بود، یکی شیرین» ساخته محمدرضا خوش‌فرمان، «زندگی در خور موسی» به کارگردانی حجت طاهری و تهیه‌کنندگی عبدالخالق طاهری، «ساحل» ساخته حسین صافی و «زمستان؛ فصل آخر» به کارگردانی مریم‌السادات مؤمن‌زاده دعوت کرد تا در پنجمین دوره جشنواره بین‌المللی فیلم سبز شرکت کنند. در ادامه مراسم تندیس «هنر و تجربه» و مبلغ ۸۰ میلیون ریال به «لقمان خالدی»، کارگردان فیلم «فصل هُرس» تعلق گرفت.

● برگزیدگان بخش «جایزه بین‌المللی شهید آوینی»:- بخش مستند کوتاه: دیلم افختر و مبلغ ۵۰ میلیون ریال به «اصغر بختیاری»، کارگردان فیلم «نشان» تعلق گرفت. - بخش مستند نیمه‌بلند: «محمدعلی رخشانی»، کارگردان فیلم «نسل سوم»

دیلم افختر این بخش را از آن خود کرد. - تندیس شهید آوینی، دیلم افختر و مبلغ ۵۰ میلیون ریال به «دارا لیبیکو»، کارگردان فیلم «وضعیت ذهن» از کشر لهنسان رسید.

- تندیس شهید آوینی، دیلم افختر و مبلغ ۸۰ میلیون ریال به «محسن اسلام‌زاده»، کارگردان فیلم «نتها میان طالبان» اهدا شد. - بخش مستند بلند: دیلم افختر به «ماجد نبسی»، کارگردان فیلم «پرچم سیاه» تعلق گرفت. «بهروز نورانی‌پور» برای کارگردانی فیلم «۸۱۵۷» موفق به دریافت دیلم افختر شد.

- تندیس شهید آوینی، دیلم افختر و مبلغ ۱۲۰ میلیون ریال به «مهدی قربان‌پور» کارگردان فیلم «زمناکو» اهدا شد.

بهترین فیلم: تندیس شهید آوینی، دیلم افختر و مبلغ ۷۰ میلیون ریال به «مهدی جعفری»، تهیه‌کننده و کارگردان فیلم «ماد رکشی» (محمد سکندیانیا و کمیل

چهره روز

انار علی اکبر صادقی برای شب پیدا



● علی اکبر صادقی با انتشار تصویری از یکی از نقاشی‌هایش در یکی از صفحات مجازی که به مناسبت شب پیدا بود، از این مناسبت یاد کرد. علی اکبر صادقی که در زمینه‌های نقاشی، طراحی گرافیک، تصویرسازی، انیمیشن و گالری‌داری فعالیت می‌کند، در آستانه شب پیدا با انتشار عکسی در توئیتر خود، نوشت: «خانه‌هایتان اناردون، شهر بم». در این تصویر که سال خلق آن ۱۹۹۳ ذکر شده، هشتک‌هایی با عنوان بلندترین شب سال، پیدا مبارک و شب پیدا قید شده است. او با بیان اینکه انار از جمله میوه‌هایی است که در کارهایش حضور پررنگی داشته است، درباره دلیل انتشار این عکس در آخرین روز آذر به «شرق» گفت: «انارهای زیادی در نقاشی‌هایم کشیده‌ام، اما این نقاشی به دلیل انارهایی که دارم می‌تواند مسملی برای شب پیدا باشد». او درباره اینکه شب‌های پیدا را چگونه می‌گذراند، عنوان کرد: «معمولا با دوستان و خانواده‌ام دور هم جمع می‌شویم تا این شب عزیز ایرانی را که یادگار پدرانمان است، زنده نگه داریم. یادم است در گذشته شب‌های پیدا زیر کرسی می‌نشستیم و انار و هندوانه‌ای را که مادرم آماده کرده بود، می‌خوردیم. از خاطره آن زمان، شب‌های شادی در ذهنم مانده است. امیدوارم این شادی‌ها بیشتر شود و ایعادی که ایرانیان گذشته داشتند، پلچراغ داماد، چون هیچ کشوری به اندازه ما ایرانیان این‌همه عید ندارد.»

ادامه از صفحه ۹

گروه‌محوری مهم‌ترین اصل در تئاتر «اشتباهات» است

● با توجه به اینکه سال‌هاست گروه شما در مرکز مستقر شده، اینجا با چه مشکلاتی در کار مواجه هستید؟ و چه راه‌حلی برای عبور از این مشکلات دارید؟

عبدی: همان مشکلاتی که سایر مردم مرکز‌نشین برای زندگی‌کردن دارند. ازدست‌دادن زمان یکی از مهم‌ترین آنهاست. ترافیک نصف عمر ما را می‌گیرد. برای یک قرار تمرین، باید یک روز کامل وقت بگذارید. این یعنی که شما باید در تئاتر حرفه‌ای باشی، یعنی منبع درآمدت چیزی جز تئاتر نمی‌تواند باشد. چون آن وقت اگر باز هم بخوای تئاتر کار کنی، مجبوری آن کار را از دست بدهی. خب، آیا شرایط تئاتر حرفه‌ای برای همه گروه‌های مرکز وجود دارد؟ به من سالن بدهند، قیدوبند‌های بی‌خود و بی‌جهت را بردارند، من تضمین می‌دهم زندگی تمام افراد گروهم را از طریق اجرای عموم تأمین کنم. ولی آیا شرایط ایجاد تئاتر خصوصی در کشور ما مهیا و کامل است؟

● **نظر شما در این‌باره چیست؟**

طاهری: بخشی از تئاتر تهران دچار یک نوع تفاهر توخالی است. شاید دلیل آن فرارگرفتنش در یک کفه ترازو باشد. یعنی ما دچار گفتمان انتزاعی تهران و شهرستان شده‌ایم که هیچ مبنای درستی ندارد. تهران را یک طرف می‌گذاریم و کل شهرستان‌های ایران را می‌گذاریم طرف دیگر. فقط هم در تئاتر این‌طور است. مثلا هنرهای تجسمی دچار چنین آفتی به این وسعت نیست، یا مثلا در اقتصاد، شما چنین دیدگاهی را نمی‌بینید، اینکه اقتصاد تهران یک طرف باشد و اقتصاد شهرستان‌های یک طرف، خب، چرا ما در تئاتر دچار چنین وضعی شده‌ایم یکی از دلایلش این است که تئاتر تهران به لحاظ برخورداری از امکانات زیربنایی، جلوتر از شهرستان‌ها قرار دارد. خبری از سالن‌های بزرگ و متناسب تئاتر در شهرستان‌ها نیست، یا مثلا تمرکز دانشگاه‌های هنری در یک دوران چند ۱۰ساله در تهران، مهاجرت استعداد‌های درخشان شهرستانی به تهران، دیده‌شدن تئاتر در تهران، تمرکز نشریات پرتیراژ و پرخواننده در تهران و عوامل بسیار دیگر. اگر حواسمان نباشد، این گفتمان تهران و شهرستان، گاه مایع کار درست می‌شود که امیدوارم مانع ما نباشد.

● **اشاره کردید برخی از آثار شما ممکن است مشمول گذر زمان شده باشند، آیا این امر برایتان مهم نیست که اثر هنری نباید به مکان و زمان محدود شود؟**

طاهری: چندان نسبت به قطعیت نظر شما در بایده‌نویاد مطمئن نیستم. ما وجود این، اگر قضاوت را بر مبنای تاریخ بگذاریم، مثلا تاریخ درام به ما می‌گوید آثار ارزشمند زیادی از مرزهای زمان و مکان عبور کرده‌اند. این آرزوی هنر‌مندی است که به چنین جهان‌شمولی دست یابد. برای ما هم اهمیت دارد. خب، ما در این سال‌ها در حال تجربه‌کردن و آموختن بودیم. در مقطعی از کارمان اصلا سن‌وسالی که داشتیم، اجازه نمی‌داد به مثل تئوری‌هایی برویم که از قد ما بزرگ‌تر بود. بنابراین ما ستم خودمان و به اندازه قدوبالای خودمان کار کردیم. اما آدمی در حال رشد است. همان‌طور که کمدی اشتباهات با کارهای قبلی فرق داشت، قطعا کار بعدی نیز متفاوت خواهد بود. دغدغه‌ها در طول زمان تغییر می‌کند. همین تغییرات است که زندگی را می‌سازد. ما هم خود را به دست تغییرات می‌سازیم. تا چه پیش آید.